

نقض حریم خصوصی بهانه طلاق

27 اردیبهشت 1401

در طبقه دوم [دادگاه خانواده](#) زوجی جوان با فاصله چند متری از هم ایستاده بودند اما رفتارشان آنقدر با هم غریبه بود که کمتر کسی فکر می‌کرد آنها یک زوج هستند و مدتی را با هم زیر یک سقف بوده‌اند. دختر جوان گاهی زیرچشمی به همسرش نگاه می‌کرد و بعد هم آهی می‌کشید و سرش را پایین می‌انداخت. دقایقی از ساعت ۱۰ گذشت که منشی دادگاه با صدا کردن زوج جوان، آنها را به داخل شعبه هدایت کرد. قاضی با موهای جو گندمی و کت و شلوار آبی رنگی در حال خواندن دادخواست بود و چند دقیقه بعد از آن رو به زوج جوان کرد و گفت خانم سحر... و آقای میلاد...، چرا دادخواست طلاق توافقی دادید؟ یکی از شما ماجرا را برایم تعریف کند.

سحر و میلاد نگاهی به هم کردند و بعد سحر رو کرد به قاضی و گفت: حاج آقا من و میلاد در کلاس موسیقی با هم آشنا شدیم. ادب و شخصیت او من را جذب کرد و حتی حالا هم که قرار است از هم جدا شویم، زره‌ای از احترامی که برایش قائلم، کم نشده است. روز آخر کلاس‌ها از من خواستگاری کرد و من هم به خاطر علاقه‌ای که به او پیدا کرده بودم بدون تعلل پذیرفتم و با موافقت خانواده‌هایمان عقد ساده‌ای گرفتیم و زندگی مشترک‌مان را شروع کردیم تا یکسال نه بحثی داشتیم و نه تنش و من فکر می‌کردم چقدر زندگی شیرین است تا اینکه یک بحث کوچک همه چیز را خراب کرد...

میلاد به یکباره حرف‌های همسرش را قطع کرد و گفت: بحث کوچک بود اما حل نشد بالاخره همه زن و شوهرها با هم اختلاف نظر دارند من و سحر هم اختلاف سلیقه داشتیم اما متأسفانه در این یک سال به خاطر ندارم که ما نیم ساعت روبه‌روی هم نشسته و با هم حرف زده باشیم. نکته دیگر هم رفتاری است که باعث شد نتوانم با آن کنار بیایم. او بدون اطلاع به من با دوستانش به سفر رفته بود بی توجهی به من و اینکه انگار من وجود ندارم، آزارم می‌دهد. در طول روز من نمی‌دانم او کجاست و چه می‌کند. مگر می‌شود کسی از همسرش خبر نداشته باشد و با آن کنار بیاید.

سحر به میلاد نگاه کرد و گفت: من بابت این موضوع بارها از تو معذرت خواهی کردم.

میلاد جواب داد: از وقتی دیدم من را نمی‌بینی، من هم تصمیم گرفتم تو را نبینم.

سحر گفت: پس تو قصد تلافی کردن داری. هر شخصی حریم خصوصی دارد.

میلاد با صدایی بلندتر گفت: درسته بعضی چیزها حریم خصوصی است اما مگر میان زن و شوهر حریم خصوصی معنی دارد. من غریبه نبودم قطعاً کارهای ما به همدیگر مربوط می‌شه. جناب قاضی من از بی تفاوتی‌های همسرم خسته شدم و تصمیم گرفتم از او جدا بشوم تا به قول خودش حریم خصوصی‌اش خدشه‌دار نشود.

قاضی رو به زوج جوان کرد و گفت: این تصمیم عجولانه درست نیست شما هر دو به همدیگر علاقه دارید حیف است که بخواهید خیلی زود و از سر یک تصمیم احساسی زندگی‌تان را خراب کنید. به نظرم شما باید دو ماه مستمر به واحد مشاوره بروید و از نظرات کارشناسان [خانواده](#) بهره ببرید. من یقین می‌دانم که پس از حضور در این کلاس‌ها، مشکل‌تان حل خواهد شد. امیدوارم دو ماه بعد که شما را می‌بینم، تصمیم بهتری گرفته باشید.

امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده

متأسفانه این روزها مسئولیت‌پذیری و تعهد بین زوج‌های جوان رنگ باخته و همین موضوع باعث سردی و ایجاد [طلاق عاطفی](#) شده است. همان طوری که جزئیات پرونده نشان می‌دهد، این زوج به خاطر مشکلات جزئی و کم اهمیت با هم لجبازی کرده‌اند که در مجموع مشخص می‌کند زوج توجهی به مسئولیت و تعهدی که نسبت به یکدیگر باید داشته باشند، ندارند. کافی است این زوج بیشتر باهم گفت‌وگو کنند و با تکیه بر مسئولیت‌پذیری مشکلات خود را حل و فصل کنند. بی شک وقتی مسائل کوچک حل نشوند، در آینده به مشکلاتی بزرگ بدل خواهند شد.